

## ب) ایران

تأسیس اولین «فرهنگستان زبان ایران» نتیجه تحولاتی بود که از دو نوع دغدغه خاطر متفاوت اما مرتبط برآمده بود؛ هر دوی این نگرانیها از نوسازیهای اوایل قرن سیزدهم/ نوزدهم ریشه گرفته بود، و دست آخر نیز به دو نوع ماهیت متفاوت در فعالیتهای دو فرهنگستان ایران انجامید. نگرانیهای مزبور عبارت بود از: يك اشتیاق به پیراستن و تصفیه زبان فارسی از لغات بیگانه (و خصوصاً عربی)، و دو) احتیاج به واژه‌های جدیدی که بر اثر طرح مفاهیم جدید (فنی و عمومی) پیدا شده بود. تاریخچه فرهنگستانهای اول و دوم زبان ایران و حوادث مرتبط با آن را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد:

- ۱) پیشینه تاریخی (تا سال ۱۳۰۰ شمسی)؛
- ۲) سالهای قبل از فرهنگستان اول (۱۳۰۰ تا ۱۳۱۴)؛
- ۳) فرهنگستان اول (۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰)؛
- ۴) فاصله میان دو فرهنگستان (۱۳۲۰ تا ۱۳۴۹)؛
- ۵) فرهنگستان دوم (۱۳۴۹ تا ۱۳۵۸).

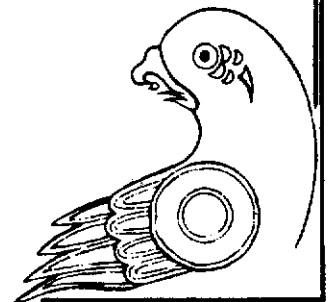
۱) پیشینه تاریخی (تا سال ۱۳۰۰ شمسی). تلاش برای نوشتن زبان فارسی بدون استمداد از کلمات و مفردات عربی دست کم از قرن چهارم هجری به این سو سابقه دارد. در دوران اخیر ناسیونالیسم نیز به مدد مخالفت با واژگان و مفردات بیگانه آمد و از دست رفتن منزلت نسبی زبان عربی به عنوان جزئی از برنامه‌های آموزشی، این مخالفت را بیش از پیش تشدید و تقویت کرد. اولین نشانه‌های این مخالفت در دوران اخیر در قرن سیزدهم/ نوزدهم با گرایش عده‌ای از نویسندگان و شعرای ایرانی به سرهنویسی و نیز انجام تحقیقاتی در این زمینه توسط برخی از ایشان ظاهر شد. این گرایشها و تلاشها ادامه یافت، و به مرور زمان دامنه‌های آن به نحوی روزافزون گسترده شد. در همان قرن سیزدهم/ نوزدهم به سبب نیاز به تعداد روزافزون واژه‌های جدید برای ابلاغ و انتقال مفاهیمی که در جریان نوسازی مطرح می‌شد، عامل تازه‌ای بر گرایش پیشین افزوده شد. با مزید شدن این دو عامل سه سؤال مطرح شد: آیا باید برای این مفاهیم ۱) همان الفاظ اروپایی را به کار برد؟ یا ۲) الفاظ و اسامی عربی (ای را که بیشتر در کشورهای عربی زبان یا ترکیه عثمانی متداول بوده و یا در خود ایران جعل و وضع می‌شده) بر آنها اطلاق کرد؟ یا ۳) برای این کار از الفاظ و اسامی اصیل فارسی (که موجود یا قابل جعل و وضع بود) استمداد جست؟ عملاً در اکثر قریب به اتفاق موارد به شیوه نخست عمل می‌شد و طریقه سوم، خصوصاً در مراحل اولیه، کمتر از بقیه روشها مورد توجه بود. علاوه بر این، تعدادی از این کلمات و اصطلاحات جدید نیز به شیوه اصطلاحاً

• فرهنگستانهای جهان اسلام (۲)\*

# فرهنگستانهای ایران، ترکیه،

هند

ترجمه مرتضی اسعدی



«گرته برداری» (loan translation) به فارسی ترجمه شد.

۲) سالهای قبل از فرهنگستان اول (۱۳۰۰ تا ۱۳۱۴). رضاشاه پهلوی حکومت را در سال ۱۳۰۰ به دست گرفت و در سال ۱۳۰۴ رسماً عنوان سلطنت یافت. در اثر هواداریهای رژیم جدید از ناسیونالیسم، و تأکیدی که بر مجد و عظمت ایران باستان می کرد، مناقشه درباره عناصر بیگانه دخیل در زبان فارسی برجستگی و اهمیت بیشتری یافت. مخالفت با ورود لغات و اصطلاحات دخیل در زبان فارسی با فزونی گرفتن موارد آن گسترده تر و جدی تر شد. دامنه بحثها به روزنامه‌ها و نشریات کشید. آرام آرام حکومت و چندین اداره و سازمان دولتی نیز، با صدور امریه‌های عمومی و بخشنامه‌های داخلی، پا در میدان این مباحثات و مناقشات گذاشتند و استفاده از کلمات واسامی اروپایی را منع کردند، و حتی مقرر کردند که نوشته‌های فارسی بر سر در و تابلوی مغازه‌ها از هر علامت و نوشته خارجی دیگری برجسته تر و چشمگیر تر باشد. اعلام شد که کلمات بیگانه «از یک ارتش خارجی هم خطرناک ترند» و استفاده از آنها یک «بیماری ادبی» است. بالاخره بحث بر سر این مسأله به مجلس نیز کشیده شد و خود رضاشاه شخصاً بدان علاقه و توجه یافت.

رضاشاه به یک سلسله اصلاحات، اکثر در جهات و جنبه‌های ظاهری زندگی مردم، همت گماشت که تماماً مسبب و مشوق وارد کردن محصولات و نیز نهادها و تشکیلات غربی بود. این امر به میزان بسیار زیادی به نیازی که به واژه‌های جدید وجود داشت افزود. ضرورت وضع واژه‌ها و اصطلاحات جدید، غالباً دست در دست علاقه به پیرایش زبان فارسی از لغات بیگانه، باعث تشکیل گروه‌های متعدد و مختلفی شد که از حیث دوام، کارایی، و تأثیری که در زبان فارسی داشتند، متفاوت بودند. ظاهراً نخستین گروه «انجمن علمی» بود که در سالهای دهه ۱۳۰۰ تأسیس شد. در آبان ۱۳۰۳ وزارت جنگ، با مشورت وزارت معارف، گروهی مرکب از افسران عالی‌رتبه «شورای عالی نظام» و برخی مقامات کشوری هر دو وزارتخانه مزبور، تشکیل داد که موظف بود واژه‌ها و اصطلاحات نظامی (فارسی) وضع کند. واژه‌های «هوایما»، «خلبان»، «فرودگاه»، و بسیاری لغات و اصطلاحات دیگر از ساخته‌های این گروه امروزه به خوبی در زبان فارسی جا افتاده است. گروه‌های دیگری نیز بودند. با دوام‌ترین و سازمان یافته‌ترین این گروه‌ها «انجمن وضع لغات و اصطلاحات علمی» بود که به همت دکتر عیسی صدیق در «دارالمعلمین عالی» (که خود به تازگی به ریاست آن منصوب شده بود، و از همان زمان به بعد به «دانشسرای عالی» موسوم شد) تشکیل شده بود. این انجمن، به عنوان یک کمیته دانشجویی، تحت نظر یک هیئت علمی

و دانشگاهی، اساسنامه‌ای برای خود تدوین کرده و مجموعه‌ای از اصول اساسی و شیوه‌های عمل خویش فراهم آورده بود. و در عمر بیش از هفت ساله‌اش، از اسفند ۱۳۱۱ تا مهر ۱۳۱۹ کلاً حدود ۳۰۰۰ واژه و اصطلاح وضع کرد که گفته‌اند در حدود ۴۰۰ واژه از آن میان کاملاً پذیرفته و در زبان فارسی وارد شد. این کمیته حتی بعد از تأسیس فرهنگستان اول نیز همچنان به کار خود ادامه داد.

در سال ۱۳۱۴ وزارت فرهنگ «آکادمی طبّی» را که مرکب از عده‌ای از مشهورترین اطباء و محققان بود تأسیس کرد. این گروه اساسنامه‌ای برای «آکادمی» مزبور تصویب کرد که ۱۰ نوع فعالیت مختلف، از جمله وضع واژه‌های پزشکی، را برای آن برمی شمرد. هم این گروه بود که نام و واژه «فرهنگستان» را در مقابل «آکادمی» وضع کرد و آن را در مورد نخستین فرهنگستان به کار برد. («فرهنگ» اصلاً به معنای «ادب، معرفت، آموزش» و غیر آن، و نیز «فرهنگ لغت» است. در چند دهه اخیر این کلمه به معنای «culture» انگلیسی نیز به کار رفت، و از سالهای دهه ۱۳۱۰ جای واژه عربی «معارف» را در نام وزارتخانه‌ای که امروز «آموزش و پرورش» است، گرفت. در سالهای اخیر این کلمه در ترکیب نام تشکیلات جدیداً تأسیس «وزارت فرهنگ» به معنای «culture» انگلیسی به کار رفت و وزارتخانه‌ای که قبلاً «معارف» نامیده می شد به «آموزش و پرورش» موسوم گردید.)

۳) فرهنگستان اول (۱۳۱۴ تا ۱۳۲۰). تا سال ۱۳۱۳ ابعاد تلاشهایی که برای تصفیه زبان فارسی از عناصر دخیل و بیگانه به عمل می آمد، آن اندازه وسعت گرفته بود که به صورت حرکتی اجتماعی در آمده بود. این تلاشها که بخش اعظم آن از نشریات آغاز شده بود، در اندک زمانی توانسته بود به ادارات گوناگون دولتی، و بخش عمده‌ای از مجلس نیز راه یابد. یکی از جنبه‌های گسترده این تلاشها آن بود که برای بسیاری از کلمات عربی متداول در زبان فارسی معادل‌های «سره» فارسی بیابند. این لغات «سره» را می بایست در فرهنگهای لغت و نیز سایر منابع، از جمله شاهنامه، جست. همراه مقالاتی که به «فارسی سره» نوشته می شد فهرستی از برابر نهاده‌ها درج می شد، و بدون چنین فهرستی خواننده نمی توانست تمامی مقصود نویسنده را دریابد. با این

حال نوشته‌هایی که این الفاظ در آنها به کار برده می‌شد غالباً مبهم و نامفهوم بود. غالب مشکلات نیز در مبادله مفاهیم و ارتباط میان ادارات و سازمانهای مختلف دولتی بروزی کرد، چرا که هر کسی خود را در استفاده از واژه‌های «سره» ای که می‌یافت آزاد می‌دانست، و میان این خیل مشتاقان «سره» نویسی یا «سره» گویی هیچ گونه اصول اولیه یا کلیات مورد توافقی وجود نداشت، یا اگر هم وجود داشت بسیار اندک بود.

رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۱۳ از ترکیه دیدن کرد، و در آن ایام جنبش تصفیه زبان ترکی از لغات دخیل عربی و فارسی، تحت حمایت‌های حکومت آتاتورک، هنوز جریان داشت، و چندان از تأسیس «انجمن زبان ترکی» که در ۱۲ ژوئیه ۱۹۳۲ / ۲۱ تیر ۱۳۱۱ به دستور آتاتورک برپا شده بود، نمی‌گذشت (به بخش «ج» در همین مقاله که درباره فرهنگستانهای ترکیه است، نگاه کنید). پس از بازگشت رضاشاه به ایران، عده‌ای از طالبان و طرفداران تصفیه زبان فارسی گرد او را گرفتند و او دستور داد تا کمیته‌ای در وزارت جنگ به منظور کشف یا وضع معادل‌های فارسی برای اصطلاحات نظامی تشکیل شود. پیش از این، ستاد ارتش رأساً برای تعداد زیادی از اصطلاحات نظامی معادل‌های اصیل فارسی یافته و آنها را، پس از گزارش به شاه، معمول کرده بود. واژه‌های «افسر» و «ارتش» (که هر دو از جهت ریشه‌شناسی قابل مناقشه‌اند) از جمله همان برابر نهاده‌های ستاد ارتش بوده‌اند که امروزه کاملاً جا افتاده‌اند.

وزارت فرهنگ که با این جریان مخالف بود، کوشید تا از کار کمیته‌ای که در وزارت جنگ تشکیل شده بود جلوگیری کند. تنها چند ساعت پس از برگزاری نخستین اجلاس کمیته مزبور، نخست وزیر وقت، محمدعلی فروغی، که خود سیاستمداری مجرب و نویسنده و محقق برجسته بود و با قضیه تصفیه زبان

فارسی چندان موافق نبود، و وزارت فرهنگ نیز بار پیشبرد منویات خود را بر دوش او گذاشته بود، به رضاشاه پیشنهاد کرد که گروهی از محققان و نویسندگان برای بررسی این مسأله، و هموار کردن راه برای تأسیس يك «فرهنگستان»، انتخاب شوند. فکر تأسیس فرهنگستان زبان چندان هم تازه نبود. در سال ۱۲۸۲ حکومت تصمیم به تشکیل يك «مجلس آکادمی» گرفته بود که، به هر حال، چندان نباید. یکی از اصطلاحات و تعابیری که «مجلس» مزبور وضع کرد «راه‌آهن» (در ترجمه اصطلاح فرانسوی chemin de fer) بود که اکنون به خوبی در قاموس زبان فارسی جا افتاده است. باری، فکر تأسیس يك فرهنگستان کم‌وبیش در اذهان وجود داشت، تا آنکه سرانجام رضاشاه به فروغی اجازه داد تا فرهنگستانی تأسیس کند. فروغی نیز وظیفه تدارک طرحی برای تشکیل این فرهنگستان را بر عهده عیسی صدیق گذاشت. و او اساسنامه‌ای برای تشکیلات مورد نظر تدوین کرد که تا حدودی مبتنی بر اساسنامه «آکادمی فرانسه» بود. این اساسنامه، با اعمال برخی تغییرات، در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۴ به تصویب هیأت وزیران رسید و در ۵ خرداد ۱۳۱۴ برای اجرا به وزارت فرهنگ ابلاغ شد.

بند دوم این اساسنامه مسؤولیتهای «فرهنگستان» را در دو آئین ماده به نحو مشخص و صریح بر شمرده است. مواد اول و دوم و چهارم تا هفتم به امر گردآوری، گزینش، و وضع واژه‌های جدید مربوط است. مواد هشتم تا یازدهم درباره ادبیات است، و ماده دوازدهم مُشعر بر «تحقیق در زمینه امکان اصلاح خط فارسی» است. اشاراتی که در این اساسنامه به مسأله تصفیه زبان فارسی شده بسیار ملایم، و کمابیش گذراست: در ماده دوم آمده است که واژه‌هایی که برای اطلاق «در همه شؤون زندگی» برگزیده خواهد شد باید «حتی الامکان» فارسی باشد. ماده سوم نیز مسؤولیتهای فرهنگستان را «پیراستن زبان فارسی از واژه‌های نامتناسب بیگانه» دانسته است.

اولین جلسه این فرهنگستان در ۱۲ خرداد ۱۳۱۴ به ریاست محمدعلی فروغی تشکیل شد. جز خود فروغی، بقیه اعضای عادی (یا پیوسته) فرهنگستان که در این جلسه شرکت داشتند عبارت بودند از محمدتقی بهار (ملك الشعراء)، علی اکبر دهخدا، ابوالحسن فروغی، بدیع الزمان فروزانفر، حسین گل گلاب، علی اصغر حکمت، محمود حسابی، سعید نفیسی، عبدالعظیم قریب، غلامرضا رشید یاسمی، عیسی صدیق، صادق رضازاده شفق، حسین سمیعی، حسن وثوق (وثوق الدوله) و دیگران. ابراهیم پورداوود، علی اکبر سیاسی، عباس اقبال آشتیانی، محمدحجازی، محمد قزوینی، احمد بهمنیار و جلال الدین همایی نیز از جمله کسانی بودند که بعداً به عضویت این فرهنگستان در



محمدعلی فروغی



ملك الشعراى بهار



على اكبر دهخدا

موجب این تغییرات چندین عضو جدید به اعضای قبلی فرهنگستان اضافه شد؛ و سه نفر از اعضای قدیم، از جمله وثوق و دهخدا، کنار گذاشته شدند. مقرر گردیده بود که از آن پس ریاست فرهنگستان به عهده وزیر فرهنگ وقت باشد. نخستین رئیس فرهنگستان بنا بر ترتیبات جدید علی اصغر حکمت بود. و سه ماه بعد اسماعیل مرآت جای او را گرفت. دوره ریاست مرآت تا شهریور ۱۳۲۰ دوام یافت. ساختار کمیته‌های فرهنگستان نیز تغییر کرده بود، و از کل هشت کمیته‌ای که تشکیل شده بود پنج کمیته مسؤول وضع واژه‌های جدید فارسی بودند. کار این فرهنگستان، علی‌الخصوص پس از تغییر و تحولات مزبور، رسماً و عملاً به وضع واژه محدود گردید.

اهداف و فعالیت‌های این فرهنگستان از تأیید و همدلی همگان برخوردار نبود. حتی مؤسس آن، یعنی فروغی، نیز در واقع بیشتر از آن که خواسته باشد به جنبش تصفیة زبان فارسی کمک کند، به این نیت کار فرهنگستان را دنبال می‌کرد که نگذارد کسانی که او آنها را افراطی می‌دانست کنترل فرهنگستان را به دست بگیرند. وی در يك سخنرانی عمومی که چند ماه پس از شروع کار فرهنگستان ایراد کرد، کوشید تا آنچه را که به زعم او تصورات غلطی از کار این تشکیلات جدید (یعنی فرهنگستان) در اذهان عامه بود، تصحیح کند؛ مثلاً، این تصور «غلط» را که این تشکیلات يك «کارخانه واژه‌سازی» است، و یا آن که علت وجودی آن «تصفیة کامل زبان فارسی از لغات و مفردات عربی» است. خود فرهنگستان متن مبسوط این سخنرانی را در فروردین ۱۳۱۶، تحت عنوان پیام من به فرهنگستان چاپ و منتشر کرد. وی در این پیام بر اهمیت زبان عربی برای زبان فارسی تأکید کرده و فرهنگستان را به اعتدال در تلاش برای تصفیة زبان فارسی، و تانی در عرضه واژگان جدید فارسی و بر کشیدن و احیای واژه‌های

آمدند. علاوه بر اینها، فرهنگستان اعضای وابسته‌ای نیز داشت که به تفاریق از میان ایرانیان و خارجیان به عضویت آن انتخاب شده بودند؛ سید محمدعلی جمالزاده، داستان پرداز و نویسنده ایرانی، و نیز پرفسور آرتور کریستنسن (A. Christensen)، از دانمارک، هانزی ماسه (Henri Massé)، از فرانسه، یان ریپکا (Jan Rypka)، از چکسلواکی) و محمدحسن هیکل (از مصر) از آن جمله بودند.

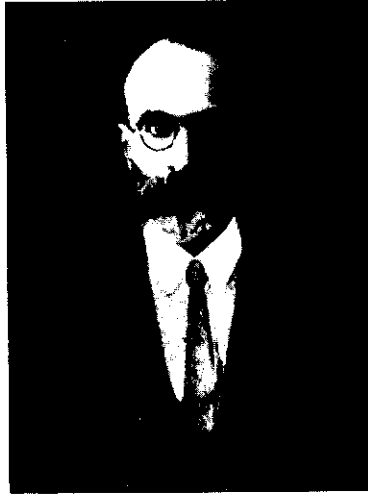
فرهنگستان آیین نامه‌های داخلی خود را در ۱۳ مرداد ۱۳۱۴ تصویب کرد، و بعداً مختصری آن را تعدیل نمود. آیین نامه‌های دیگری نیز بعداً تصویب شد. آیین نامه‌های داخلی تشکیل هفت کمیته را مقرر می‌داشت. اگرچه تشکیل این کمیته‌ها و نیز وظایف فرهنگستان در اساسنامه آن به تفصیل و تصریح ذکر شده بود و حوزه وسیعی از اقدامات مختلف را دربر می‌گرفت، عملاً همه وقت و توان این فرهنگستان در راه وضع یا گزینش واژه‌های فارسی برای استعمال به جای لغات و اصطلاحات بیگانه صرف شد.

اعضای هیئت رئیسه این فرهنگستان بنا بر اساسنامه آن عبارت بودند از يك رئیس که از طرف شاه منصوب می‌شد، و دو معاون رئیس و دو منشی یا دبیر که با رأی اکثریت اعضای عادی (یا پیوسته) برای مدت دو سال انتخاب می‌شدند. نخستین رئیس این فرهنگستان خود فروغی، نخست وزیر وقت، بود. وی چند ماه بعد از مقام نخست وزیر استعفا کرد و از آن پس دیگر در جلسات این فرهنگستان حاضر نشد. در اسفند ۱۳۱۴ حسن وثوق به جای او به ریاست فرهنگستان منصوب گردید.

رضاشاه از سرعت پیشرفت کارهای فرهنگستان ناخشنود بود، و لذا دستور داد که سازمان و تشکیلات آن را تغییر دهند. تجدید سازمان مورد نظر در ۸ اردیبهشت ۱۳۱۷ عملی شد. به



بدیع الزمان فروزانفر



میرزا ابوالحسن فروغی

تقسیم کرد: الف) واژه‌های کهنی که از لابه‌لای متون بر کشیده و با همان معانی احیا شده بود، مثل «پزشک»؛ ب) واژه‌های کهنی که بر کشیده و احیاء شده اما معانی جدید تخصصی بدانها داده شده بود، مثل استعمال «داور» (که اصلاً به معنای «قاضی» بوده)، به معنای «حکّم»، یا «ارز» (که همانا به معنای ارزش بوده) به معنای «پول خارجی»؛ ج) قایل شدن معانی متفاوت برای دو یا سه کلمه هم‌ریشه که شکل آواشناختی متفاوتی دارند و در آغاز کلمه واحد و یگانه‌ای بوده‌اند، مثل «آگاهی» (به معنای «پلیس مخفی») و «آگهی» (به معنای «تبلیغات بازرگانی»؛ د) تفکیک و تمییز بین معانی در میان مجموعه‌ای از کلمات مترادف یا قریب به مترادف مثل تفکیک و تمییزی که این فرهنگستان بین اصطلاحات زمین‌شناختی «دور» (به معنای «epoch»)، «دوره» (به معنای «period»)، «دوران» (به معنای «era») و «روزگار» (به معنای «age») قایل شده است؛ هـ) دستکاری مختصری در شکل ظاهری معدودی از کلمات (اکثر در مورد اسامی اماکن و جاها) به نحوی که بر حسب ظاهر فارسی‌تر به نظر برسد، مثل تبدیل «قرنطینه» به «قرنتین»، و اخذ «زیار» (به عنوان يك اسم مذکر مهجور فارسی) از «زیارت» (که اصلاً عربی و به معنای «دیدار یا دیدن» است)؛ و بالأخره و) در معدودی موارد، باز هم بیشتر در مورد اسامی جاها، فارسی کردن املاي يك کلمه، مثل تبدیل «طوفان» به «توفان»، یا تبدیل «طهران» به «تهران». برخی از واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان را واژه‌هایی تشکیل می‌داد که به طریق «گرفته‌برداری» به فارسی ترجمه شده بود. این «گرفته‌برداری»ها بر سه قسم بودند: ۱) گاهی به يك واژه ساده فارسی بر اساس يك واژه خارجی معنایی جدید (و اضافی) داده‌اند، مثل ترجمه کردن «clutch» در معنای غیر کلاچ اتومبیل، به «چنگ»؛ ۲) گاهی بر اساس يك واژه مرکب خارجی واژه مرکب فارسیی با همان معانی ساخته‌اند، مثل ترکیب «نخست‌وزیر» در

کهن، فرا خوانده بود. فرهنگستان اول عملاً اندکی بیش از شش سال (و بر روی کاغذ تا حدود سال ۱۳۳۵) دوام یافت. و در این مدت بالغ بر ۲۴۰۰ واژه جدید ابداع، احیاء و یا انتخاب کرد. واژه‌های مزبور وسیعاً در مطبوعات و کتابها به کار گرفته شد. بخش عمده این واژه‌ها را اصطلاحات فنی مربوط به بانکداری، پزشکی، جانورشناسی، ریاضیات، جغرافیا، فیزیک، گیاهشناسی، هندسه، و حکومت تشکیل می‌داد. علاوه بر این، فرهنگستان برای حدود ۲۰۰ تعبیر و ترکیب عربی-متداول در زبان فارسی نیز معادلهای فارسی یافته بود، که برای نمونه «نوساز» به جای «جدیدالاحداث» از آن جمله بود. فرهنگستان اول نام بسیاری جاها را نیز، اکثر از عربی و گاهی از ترکی، به فارسی تبدیل کرد؛ برای مثال، «مُحَمَّرَه» به «خرمشهر» و بندر «انزلی» به بندر «پهلوی» تبدیل گردید. واژه‌هایی که توسط این فرهنگستان برگزیده شده بود از نظر شکل و صورت ظاهر به چندین دسته تقسیم می‌شد: الف) واژه‌های ساده، مثل «انگل» به جای «پارازیت»؛ ب) واژه‌های مرکب، مثل «پایان‌نامه» به جای «تز» یا «رساله فارغ‌التحصیلی»؛ ج) واژه‌هایی که با پسوندها یا پیشوندهای خاصی ساخته می‌شد، مثل «دادگاه» (که از افزودن پسوند «گاه» به عنوان پسوند مکان، به «داد»، به معنای عدالت، ساخته شده بود)، و یا «بازداشت» (که از افزودن پیشوند «باز» که کمابیش هم معنای پیشوند انگلیسی «re»- یعنی دوباره- است، به کلمه «داشت»، یعنی صیغه ماضی فعل «داشتن»، ساخته شد). تعداد اندکی از واژه‌های ساخته این فرهنگستان واژه‌هایی بود که (با همان تلفظ و معنا) از زبانهای اروپایی عاریه گرفته شده بود، مثل «مین» که از «mine» فرانسوی گرفته شد. با این حال، بخش اعظم واژه‌های پیشنهادی این فرهنگستان از اجزاء و عناصر اصیل فارسی ساخته شده بود. این واژه‌ها را به چند دسته می‌توان



هم رفته، بعضی از واژه‌هایی که فرهنگستان اول وضع کرده است حاکی از بی‌دقتی، ناآشنایی، یا بی‌اعتنایی نسبت به قواعد دستوری زبان فارسی، و خصوصاً قواعد واژه‌سازی آن، و فقدان اصول و روشهای منسجم و همساز برای این کار است.

واژه‌هایی که فرهنگستان اول وضع و منتشر کرد مشکلات و مسائلی را برای مردم ایران پدید آورد. بخشی از این مشکلات و مسائل ناشی از آن بود که تعداد زیادی واژه‌های جدید در مدت زمانی کوتاه به زبان فارسی تزریق شده بود؛ بخش دیگری نیز ناشی از آن بود که همه این واژه‌های جدید به طور کامل برای مردم توضیح نشده بود؛ و بالأخره بخشی از مشکلات و مسائل مزبور نیز لازمه ذاتی وضع واژه‌های جدید (و غالباً نامانوس) به جای واژه‌هایی بود که طی قرون متمادی در کاربرد زبان جا افتاده بودند. و مآلاً گاهی برخی از واژه‌های مزبور در معانی نادرست به کار رفت.



عبدالعظیم قریب

۴. دوره بین دو فرهنگستان (۱۳۲۰ تا ۱۳۴۹). در خلال جنگ جهانی دوم، رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، یعنی سه هفته بعد از اشغال ایران توسط نیروهای انگلیسی و روسی، از ایران تبعید شد. با از دست رفتن حمایت شاهي مقتدر، فرهنگستان نیز قدرت خود را از دست داد. از این زمان به بعد مخالفان فرهنگستان فعال شدند و علناً در مطبوعات از آن بدگفتند. مآلاً فرهنگستان درباره بعضی از واژه‌های پیشنهادی خود که مورد مخالفت قرار گرفته بود، تجدید نظر کرد. وزارت فرهنگ بخشنامه‌ای صادر کرد که استفاده دوباره از اصطلاحات سنتی ریاضی را که جای خود را در کتابهای درسی مدارس به واژه‌های جدیداً وضع شده داده بود، مجاز می‌داشت.

بعد از اشغال ایران، فروغی يك بار دیگر در دی ماه ۱۳۲۰ به

ترجمه «prime minister» انگلیسی، یا ترجمه نام ترکی رودخانه «قره سو» به «سیاه آب»؛ و ۳) گاهی هم بر اساس يك واژه خارجی، در ترجمه آن واژه‌ای با همان نوع پیشوند یا پسوند ساخته‌اند، مثل کلمه «بی‌نام» در اطلاق به [سهام] «شرکت سهامی با مسئولیت محدود» که از روی واژه «anonyme» فرانسوی ساخته شده است. بسیاری از واژه‌های پیشنهادی فرهنگستان اول هیچگاه مقبولیت عام نیافت؛ واژه‌های «انباره» (به معنای خازن) در مقابل «accumulator» (در فیزیک)، «بهنجار» در مقابل «normal»، و «پوشینه» در مقابل «capsule» از جمله آن واژه‌هاست. با این حال، برخی از واژه‌های دیگر پیشنهادی فرهنگستان کاملاً رواج و تداول یافت؛ اصطلاحات مربوط به ادارات دولتی (شامل نامهای ادارات و وزارتخانه‌های مختلف و غیر آن)، نامهای شهرها و شهرکها، و معدودی اصطلاحات علمی از این دست بودند.

تعدادی از واژه‌هایی که این فرهنگستان علی‌الظاهر با استفاده از اجزاء و عناصر اصیل ایرانی، وضع کرده است همچنانکه بسیاری از محققان نیز گفته‌اند، محل تردید و تأمل، و یا از جهات معناشناسی، نحو زبان یا تاریخچه ریشه‌شناختی آشکارا غلط است. از این جمله برای مثال گفتنی است که «اشکوب» به معنای «طبقه»ی ساختمان، آرامی است؛ «خاور» را که به معنای «شرق» پیشنهاد شده بوده است نویسندگان اعصار کهن به معنای «غرب» نیز به کار می‌برده‌اند؛ و «دستگیر کردن» را به معنای بازداشت کردن پیشنهاد کرده‌اند، در حالی که «دستگیری» را که از مشتقات همان است به معنای اعانت کردن مستمندان به کار برده‌اند. روی



حسین سیعی

ریاست فرهنگستان برگزیده شد. وی در ۴ آبان ۱۳۲۱ چشم از جهان فرو بست، و حسین سمیعی، مشهور به ادیب السلطنه، به عنوان رئیس فرهنگستان جای او را گرفت. با مرگ سمیعی در بهمن ۱۳۳۳ کس دیگری به ریاست فرهنگستان منصوب نشد، و علی رغم تلاشهایی که هر چند گاه یک بار برای برپا نگاه داشتن آن می شد، موجودیت فرهنگستان حتی از روی کاغذها هم محو شد. در همین احوال، نیاز به واژگان و اصطلاحات جدید در نتیجه توسعه آموزش، رونق گرفتن کار و بار ترجمه از زبانهای خارجی، و علل و عوامل دیگر شدت می گرفت. پس از مدتی قرار شد تعدادی از گروههایی که پیشتر تشکیل شده بودند، از آن پس برای همین مقصود به وزیر فرهنگ واگذار شوند، اما اکثر این گروهها کم دوام و غیر کارا بودند.

از کار افتادن و سپس از میان رفتن فرهنگستان به فتور و فترت طولانی در سیر جنبش پیرایش زبان فارسی نینجامید. بعد از تبعید رضا شاه بحثها درباره تصفیه و پیرایش زبان فارسی از سر گرفته شد، با این تفاوت که این بار مخالفان این امر مجدداً فعالانه به میدان آمده بودند. عباس اقبال آشتیانی و وحید دستگردی که نشریه‌هاشان، یادگار و ارمغان، بلندگوی حملات به فرهنگستان بود، از جمله این مخالفان بودند. مهمترین سخنگوی مخالفان سیدحسین تقی زاده بود. مهمترین طرفدار اصلاح زبان نیز - که با تصفیه و پیرایش زبان تفاوت داشت - سیداحمد کسروی بود که در عین حال با اکثر طرفداران تصفیه و پیرایش زبان موافقت نداشت. این دو نفر در خلال حکومت رضا شاه فعال شده بودند اما بیشترین نیرو و نفوذشان را بعد از تبعید او صرف کردند، و به همین دلیل صحیحتر و راحتتر است که فعالیتهاشان را در همین مرحله بررسی کنیم. سیدحسین تقی زاده به عنوان سیاستمدار، دیپلمات و محقق پرآوازه، وسیعاً مورد احترام و صاحب نفوذ بود. وی در سال ۱۳۱۴ در مقاله‌ای که در نشریه وزارت فرهنگ وقت چاپ و



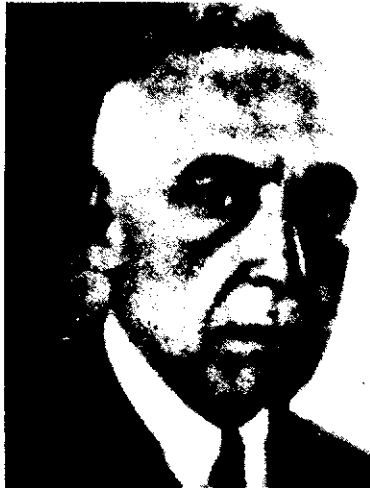
احمد بهمنیار



رشید یاسی

منتشر شد به تصفیه و پیرایش زبان فارسی تاخته بود. اشاره او به «مداخله شمشیر در کار و بار قلم» که «با ذوق و ذائقه و وقار ایرانی منافات دارد» توهین صریحی به شخص شاه تلقی شد و در نتیجه این مقاله را از آن شماره نشریه وزارت فرهنگ حذف کردند. مقاله مزبور در سال ۱۳۲۱ مجدداً چاپ شد. تقی زاده در ۷ اسفند ۱۳۲۶ در دانشسرای عالی تهران سخنرانی مبسوطی تحت عنوان «لزوم حفظ فارسی فصیح» ایراد کرد. تقریباً قریب به سه چهارم این سخنرانی به مسأله حضور و رواج لغات عربی در زبان فارسی اختصاص یافته بود. وی از جمله بر این نکات تأکید کرده بود که بسیاری از لغات عربی رایج در زبان فارسی «بومی شده‌اند»؛ اخراج لغات دخیل عربی از زبان فارسی «اقدامی بداندیشانه در حق زبان فارسی و ملیت ایرانی است» و زبان فارسی را تهی خواهد کرد؛ تصفیه زبان فارسی بتدریج رابطه [فرهنگی - تاریخی] ایرانیان را با ملت‌های مسلمان همسایه خواهد گسست؛ عربی زبانی بسیار غنی است؛ و بالأخره خیلی بهتر است که واژگانی را که برای بیان مفاهیم جدید نیاز داریم از «لغات عربی بسیار مانوستر و سهل‌الوصولتری که در مصر و سوریه یا... کتابهای فارسی رایجند» عاریه بگیریم. او در کلام آخر معتقد بود که باید کارگزینش واژه‌های جدید را به نویسندگان وا گذاشت، و «نباید هیچ‌گونه فرمایش قانونی و اعمال فشاری مجال مداخله در این کار را داشته باشد».

برخی از سرشناس‌ترین طرفداران تصفیه و پیرایش زبان فارسی از زمانی که این بحثها در دهه ۱۳۱۰ هر روزه جدی‌تر شد، عبارت بودند از ذبیح بهروز (متوفی ۱۳۵۰)؛ ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای (متوفی ۱۳۲۵)؛ و احمد کسروی تبریزی (مقتول ۱۳۲۴). کسروی فعالترین و نستوه‌ترین طرفدار تصفیه زبان فارسی بود. و در عین حال هیچ کس به اندازه او نسبت به فرهنگستان زبان و مصوبات و دستورات آن، حتی در اوج اقتدار



حسن وثوق



سید حسن تقی زاده

صحیح باشند؛ و هر واژه‌ای که وضع می‌شود آنچنان باشد که اشتقاق واژه یا واژه‌های جدید دیگر از آن امکان‌پذیر باشد؛ و نیازی هم نیست که برای هر واژه خارجی معادلی یافته یا وضع شود، چرا که بسیاری از واژگان و اصطلاحات خارجی زائد بر نیاز ما هستند و به کار ما نمی‌آیند؛ و بالأخره، هر واژه‌ای همواره باید تنها يك معنا داشته باشد، و هر معنای مرادی را همواره باید با واژگان ثابت و واحدی بیان کرد، تا استفاده از مترادفات از میان برود. علاوه بر اینها، وی مکرراً بر این نکته تأکید می‌کرد که مسأله اصلاح زبان امری علمی است و میادرت به چنان امری يك اشتغال علمی به حساب می‌آید، و طبعاً مستلزم داشتن صلاحیتها و قابلیت‌های معینی است.

کسروی نیز مانند تقی زاده مخالف تأسیس فرهنگستان بود. وی معتقد بود که اصلاح زبان باید از رهگذر مساعی نویسندگان، که باید سبک و اسلوبشان را بهبود ببخشند و به این ترتیب سرمشقی برای عامه مردم پیش بنهند، صورت بگیرد. با این حال، قاعداً نمی‌بایست کسروی یا تأسیس سازمانی برای وضع و گزینش اصطلاحات علمی و فنی مخالف بوده باشد.

۵) فرهنگستان دوم (۱۳۴۹ تا ۱۳۵۸). کسروی در اسفند ۱۳۲۴ به قتل رسید، و از آن پس تا حدود بیست سال بعد بحث و مناقشه بر سر تصفیه و اصلاح زبان عملاً تعطیل شد. نخستین صدایی که این سکوت و رکود چندین ساله را شکست سخنرانی دکتر محمد مقدم در دانشگاه تهران در آذر ۱۳۴۲، و متعاقباً مصاحبه‌ای با او بود که در سال ۱۳۴۵ منتشر شد. دکتر مقدم معتقد بود که زبان فارسی از حیث واژگان علمی و فنی فقیر است، ولی همه امکانات فائق آمدن بر این فقر را در اختیار دارد؛ و بر خلاف آنچه مکرراً پیشنهاد شده است، فارسی‌زبانها نباید خود را صرفاً به زبان ادبیات کلاسیکشان محدود سازند؛ و باز بر خلاف

رضاشاه، بی‌اعتنا نبود. کسروی مؤرخ، زبان‌شناس و حقوقدان بود. وی در اوایل دهه ۱۳۱۰ از تغییرات اجتماعی گسترده و همه‌جانبه در همه حوزه‌ها و شؤون فرهنگ کشور نیز طرفداری می‌کرد. طرفداری او از اصلاح زبان رابطه تنگاتنگی با نوشته‌ها و سخنرانیهای مفصل او درباره جامعه ایرانی و بیماریهای آن داشت. وی معتقد بود که زبان فارسی، در طول قرون متمادی، به زبانی مملو از مسائلی از همه نوع، از جمله مسائل دستور زبانی و معناشناختی، تبدیل شده است. حضور و رواج عناصر بیگانه در آن تنها یکی از انبوه این مسائل است. او درباره همین مسأله اخیر نیز با کسانی که تصفیه زبان فارسی از عناصر دخیل را بر مبانی ناسیونالیستی مبتنی می‌کردند، و یا کسانی که با این امر بنابه دلایل دینی و مذهبی موافق نبودند، مخالف بود. نظر وی آن بود که زبان باید استقلال خود را داشته باشد، و ثغور آن نباید، آنچنانکه در مورد زبان فارسی قرن‌ها به روی لغات عربی گشوده بوده، و لنگارانه و بی‌تعصب به روی لغات دیگر باز باشد. او معتقد بود که وارد کردن بی‌مبالات و فارغ از کنترل لغات عربی در زبان فارسی بیش از هر عامل دیگری در اوضاع منحط کنونی زبان فارسی - هم از لحاظ واژگان و هم از نظر دستور زبان - دخیل بوده است؛ و این انحطاط زبان تأثیرات مخرب و زیانبار روانی در فارسی‌زبانان داشته است. و درباره لغات عربی در زبان فارسی عقیده داشت که آن عده از این لغات که در زبان فارسی جا افتاده است و برای آنها عملاً دیگر معادل فارسی بومی یا اصیل وجود ندارد، باید حفظ و ابقا شود؛ ضمناً، جز برای اصطلاحات علمی، نباید واژه‌ای ابداع کرد، و باید همان کلماتی را به کار برد که مردم به کار می‌برند؛ و طبعاً واژه‌های جدید مورد نیاز [علمی] نیز باید از مواد و مصالح زبان فارسی (به صورت ترکیب و با استفاده از پیشوندها و پسوندها) ساخته شود؛ و واژه‌های فارسی برگزیده نیز باید





سعید تاقیسی

ابراهیم پور داوود

از بیشترین حمایت‌های مالی بسیار فعال شد. فرهنگستان جدید سازمان و تشکیلات سنجیده‌ای داشت که شامل یک شورا، مرکب از اعضای عادی؛ چهار «پژوهشگاه»؛ یک کتابخانه؛ یک بخش آواشناسی؛ و یک دبیرخانه بود. پژوهشگاه‌های چهارگانه مزبور عبارت بود از: (۱) «واژه‌گزینی»؛ (۲) «واژه‌های فارسی»، که مسئول «گردآوری واژه‌های فارسی و نشان دادن تواناییها و قابلیت‌های این زبان برای واژه‌سازی» بود؛ (۳) «زبانهای باستانی و میانه و گویشهای ایرانی»؛ و (۴) «دستور زبان فارسی». فعال‌ترین این پژوهشگاهها همان پژوهشگاه اول بود. این پژوهشگاه کار خود را با ۱۳ گروه، که هر کدام مسئول اصطلاحات و واژگان یک یا چند حوزه تخصصی و خاص بودند، آغاز کرد. این گروهها تا سال ۱۳۵۴، ۳۰۰۰۰ برابر نهاده یا معادل فارسی برای حدود ۱۵۰۰۰ واژه خارجی عرضه کرده بود. یکی از روشهای این گروهها در جستجوی معادل‌های فارسی برای واژه‌های بیگانه یا دخیل آن بود که آن واژه‌ها را در تک‌نگاشتهایی تحت عنوان پیشنهاد شما چیست؟ چاپ و نشر می‌کردند و در سراسر جهان توزیع می‌کردند. هنگام تصمیم‌گیری درباره واژه‌ها و اصطلاحات جدید، که عرضه آنها به جامعه موکول به توشیح و تصویب نهایی شخص شاه بود، جوابهایی که به آن اقتراحات رسیده بود نیز ملحوظ می‌گردید.

واژه‌هایی که توسط فرهنگستان دوم برگزیده شده بود از حیث شکل ظاهری و مسائلی که از لحاظ تاریخی ریشه‌شناختی مطرح است، کمابیش مشابه واژه‌هایی بود که فرهنگستان اول برگزیده بود. با این حال، درباره واژه‌های منتخب فرهنگستان دوم چندین نکته قابل ذکر است: (۱) در این واژه‌ها از پیشوندها و پسوندها و نیز ترکیبات بیشتر و بی‌پروا تر استفاده شده؛ (۲) میان این واژه‌های منتخب همسازی و انسجام بیشتری مشهود بوده؛ (۳) تمایل به

آنچه خیلیها مایلند، باید برای وضع واژه‌های جدید تا سر حد امکان بر اساس قیاس عمل کرد؛ و برای این کار باید از خود منابع فارسی سود جست؛ زیرا در غیر این صورت، نتیجه همان است که زبان بسیار ساده فارسی با صورتهای عربی دخیل در آن برآمخته و باعث پیش آمدن اغلاط و اشتباهات فراوانی می‌شود که حتی دانشجویان دانشگاه هم از ارتکاب آن مصون نیستند؛ و بالأخره، باز هم برخلاف آنچه بسیاری مدعی شده‌اند، وضع واژه‌های جدید با استفاده از منابع فارسی ارتباط ایرانیها را با سایر متکلمان به زبان فارسی نخواهد گسست، زیرا در نوشته‌های گذشتگان نیز هیچ کس از نشانیدن واژگان فارسی به جای لغات عربی حمایت نمی‌کرده است. به عبارت دیگر بقیه کسانی که به زبان فارسی تکلم می‌کنند عملاً از واژه‌های جدیدی که ایرانیان بسازند و در اختیار آنان نیز قرار بدهند استقبال خواهند کرد.

از همین ایام بحث و جدل درباره اصلاح زبان فارسی دیگر باره بسرعت در صفحات روزنامه‌های کشور (مثل کیهان) و نشریاتی همچون وحید، یغما، و تلاش مطرح شد. در سال ۱۳۴۹ وزارت فرهنگ و هنر کنفرانسی برای بحث درباره زبان فارسی برپا کرد که از ۶ تا ۸ آبان در تهران جریان داشت. محمدرضا شاه پهلوی در نطق افتتاحیه‌ای که از جانب او در آغاز این کنفرانس خوانده شد، اعلام کرده بود که بیشتر اساسنامه بنیاد سلطنتی فرهنگستان ایران را توشیح و تصویب کرده، و این تشکیلات بزودی دایر خواهد شد. وی گفته بود که اساسنامه مزبور ناظر به تأسیس یک «فرهنگستان زبان ایران» است. در آخرین روز برپایی کنفرانس مزبور وزیر فرهنگ و هنر اعضای فرهنگستان مورد نظر را به حضور شاه معرفی کرد: دکتر صادق رضازاده شفق، حسین گل‌گلاب، دکتر محمود حسابی، دکتر عیسی صدیق، ذبیح بهروز، جمال رضایی، محمدمقدم، یحیی ماهیار نوآبی، مصطفی مقربی، ارتشبد علی کریمی لو، و صادق کیا که به دستور شخص شاه به ریاست تشکیلات مزبور منصوب شد.

شاه در پیامی که برای کنفرانس مذکور فرستاده بود به فرهنگستان اول نیز اشاره کرده و فرهنگستان جدید را صورت بسط یافته آن دانسته بود. چهار تن از اعضای این فرهنگستان (یعنی گل‌گلاب، صدیق، حسابی، و شفق) عضو فرهنگستان اول نیز بودند، و ذبیح بهروز هم در یکی از کمیته‌های فرهنگستان اول کار می‌کرد. صادق کیا سالهای زیادی با دکتر مقدم در فعالیتهای اصلاح زبان همکاری کرده بود.

فرهنگستان دوم از آن جهت که یکی از چند فرهنگستانی بود که قرار بود تأسیس شوند، با فرهنگستان اول تفاوت داشت. اندکی بعد، «فرهنگستان هنر و ادب» نیز تأسیس شد. با این حال، «فرهنگستان زبان» در کانون توجه قرار داشت، و با برخورداری

صلاحیتهای جدی تر برخوردار بودند؛ ۵) کار فرهنگستان دوم، از آن جهت که از عامه مردم، و یا دست کم از جامعه محققان و نویسندگان کشور نیز نظر خواهی می کرد، علنی تر و بازتر از کار فرهنگستان اول بود؛ و بالأخره ۶) کار فرهنگستان دوم بسیار منظم تر، و روشهای آن بسیار سنجیده تر بود.

بعد از واژگون شدن بساط سلطنت در جریان انقلابی که قویاً صبغه‌های مذهبی داشته است، مشکل می توان آینده کار فرهنگستان و جنبش تصفیه زبان را بعد از بهمن ۱۳۵۷ پیش بینی کرد. فرهنگستان دوم بعد از این جریانات اگر نگوئیم در واقع مُرد، باری غیر فعال شد. اگر فضای کلی و حال و هوایی که در طی نه ماهه اول بعد از استقرار حکومت جدید در کشور حاکم بوده است، همچنان ادامه بیاید، طبعاً هر فعالیتی از این گونه به احتمال فراوان توان تداوم نخواهد داشت، و اگر هم داشته باشد بسیار تضعیف و تحدید خواهد شد. با ادامه چنان شرایطی، فعالیت‌های هر فرهنگستان زبانی به احتمال بسیار زیاد صرفاً به گزینش و وضع واژه‌های فنی محدود خواهد گردید.

### ج) ترکیه

در ترکیه دو آکادمی دایر است، یکی «انجمن تاریخ ترکیه» و دیگری «انجمن زبان ترکی»، که هر دو را مصطفی کمال آتاتورک تأسیس کرده و خود تا هنگام مرگش در سال ۱۳۱۷/۱۹۳۸ از نزدیک بر کار آنها نظارت داشت، و پس از مرگش نیز تقریباً همه اموالش به تساوی میان این دو آکادمی تقسیم شد. این دو آکادمی چه در زمان حیات مصطفی کمال و چه پس از مرگ او، دقیقاً از همان نظریات یا وجهه نظرهایی که او در تفسیر تاریخ ترکیه و اصلاح زبان ترکی داشت پیروی کرده اند. بدین معنا که این دو آکادمی نیز ترکها را قوم کهنی می دانسته اند که از کهنترین ایام با آناتولی پیوند و ارتباط داشته، و دارای زبانی از آن خود بوده و نقشی معتابه در تمدن جهانی ایفا کرده است. حاصل عملی چنین رهیافتی، که از آکادمیهای مزبور انتظار می رفته در جهت پیشبرد آن کار کنند، آن بوده است که اسباب مباهات ترکها را به گذشته تاریخی و زبانشان فراهم بیاورد و ایشان را به ایفا کردن نقشی دوباره در تمدن جهانی از رهگذر نوسازیهای شتابان برانگیزد

پیش از آنکه «انجمن تاریخ ترکیه» یا «تورک تاریخ کورومو» تشکیل شود تشکیلات دیگری به نام «کمیته تحقیق در تاریخ ترکیه» یا «تورک تاریخی تحقیق هیئتی» در سال ۱۳۰۹/۱۹۳۰ تأسیس شده بود. این کمیته یا هیئت اخیر در سال ۱۳۲۰/۱۹۳۱ جای خود را به تشکیلات دیگری با نام «انجمن تحقیق در تاریخ ترکیه» یا «تورک تاریخی تحقیق جمعیتی» داد که بعداً در سال



جلال الدین همانی

برکشیدن و احیای واژه‌های مهجور و کهنی که برای اکثر فارسی زبانها غریب و ناشناخته بوده، در این واژه‌ها به نحو شدیدتری احساس می شود؛ ۴) واژه‌هایی در این میان بر اساس فارسی میانه و فارسی باستان انتخاب شده است، مثل «پَرْدِیز» به معنای «پارک park» (مقایسه کنید با «فردوس» فارسی جدید در مقابل «paradise» به معنای بهشت و نیز سایر خویشاوندان واژه «paradise» در بقیه زبانهای اروپایی)، و «پَرْدِیزه» در مقابل «campus» به معنای حیاط یا فضای باز (که با «پَرْدِیز» پیوند دارد)؛ و بالأخره ۵) اصرار بر حذف و اخراج واژه‌هایی که کاملاً در زبان فارسی جا افتاده بوده اند، و از جمله پیشنهاد کردن «مهراز» به جای «معمار»، «داوخواه» به جای «داوطلب»، «فرهختاری» به جای «فرهنگ»، «آموزش و پرورش» به جای «تعلیم و تربیت»، «پَرگیر» به جای «محیط» و «پیرامون»، و نظایر آن.

### حاصل سخن

مقایسه اجمالی دو فرهنگستان اول و دوم ایران خالی از فایده نخواهد بود؛ ۱) فرهنگستان دوم - همچنانکه از تشکیلات و روشهای سنجیده تر آن برمی آمد - کار خود را بسیار جدی تر گرفته بود؛ ۲) کار فرهنگستان دوم صرفاً محدود به واژه سازی نبود و شامل همه جهات و جوانب دیگر زبان فارسی نیز می شد؛ ۳) اعضای این فرهنگستان، به عنوان یک گروه، به کار خود ایمان داشتند، در حالیکه تأسیس و اداره فرهنگستان اول را در مراحل اولیه کسانی (همچون فروغی) متکفل بودند که هیچ گونه همدلی و همراهی با فکر تصفیه زبان فارسی نداشتند؛ ۴) در فرهنگستان دوم، برخلاف فرهنگستان اول، هم اعضا و هم کسانی که از بیرون با آن همکاری می کردند از نظر تخصصهای حرفه‌ای در حوزه زبانشناسی و سایر حوزه‌های مرتبط با آن، از اهلیت و

عین حال از توجه به تاریخ هنر و ادبیات عامیانه در ترکیه نیز غافل نمانده است. این کتابها عموماً تخصصی و خواص پسندند و تنها معدودی از آنها به قصد خواننده شدن توسط همگان تدارک شده‌اند. «انجمن تاریخ ترکیه» علاوه بر کتابشناسی‌هایی که از تحقیقات تاریخی عرضه می‌کند (از سال ۱۳۱۶/۱۹۳۷ به این سو) یک فصلنامه علمی تحت عنوان *Belleten* (= بولتن)، و نیز (از سال ۱۳۴۵/۱۹۶۴ به این سو) هر شش ماه مجموعه‌ای از اسناد، تحت عنوان *Belgeler: Türk Tarih Belgeler Dergisi* (اسناد: نشریه اسناد تاریخی ترکیه) منتشر می‌کند.

«انجمن زبان ترکی» یا «تورک دیل کورومو» خلف تشکیلاتی است که در سال ۱۳۰۸/۱۹۲۹ با نام «کمیته زبان» یا «دیل هیئت» به منظور هماهنگ کردن و پیش بردن - هر چه سامانمندان تر - اصلاحات زبانی که یک سال پیشتر با تبدیل خط و الفبای عربی به لاتینی آغاز شده بود، تشکیل شد. در سال ۱۳۱۱/۱۹۳۲ کمیته یا هیئت مزبور با برخورداری از حمایت‌های دولت، توسعه یافت و به «انجمن تحقیق درباره زبان ترکی» یا «تورک دیل تنقیق جمعیتی» تبدیل شد، و تعبیر ترکی این نام در سال ۱۳۱۳/۱۹۳۴، با همان معنا، به «تورک دیل آراشتیرمه کورومو» تغییر یافت (که بوضوح نشان دهنده میل کردن از عربی به طرف هر چه ترکی تر شدن بود). و بالأخره، این نام اخیر در سال ۱۳۱۵/۱۹۳۶ به «تورک دیل کورومو» مختصر شد.

حوزه عمل و اهداف «انجمن زبان ترکی» از بدو تأسیس تاکنون چندین بار مورد جرح و تعدیل و تجدید نظر قرار گرفته است. شاید بتوان روشنترین بیان درباره وظایف و اهداف این انجمن را در آیین نامه‌های سال ۱۳۲۲/۱۹۴۳ آن یافت: (۱) تصفیه زبان از زنجیره‌ها یا دودمانهای واژگانی دخیل خارجی و «ترکی کردن» آن؛ (۲) گردآوری واژگان ترکی مورد استعمال در ترکیه یا جاهای دیگر و نشر آنها در قالب فرهنگهای زبان ترکیه و لهجه‌های ترکی؛ (۳) تهیه و نشر سایر آثار و تحقیقات زبانشناختی مربوط، در جنب فرهنگهای لغت اخیرالذکر؛ (۴) بررسی راهها و امکانات وضع واژه‌های جدید ترکی و تدارک یک دستور زبان اساسی برای زبان ترکی و نیز یک دستور زبان تطبیقی برای لهجه‌های ترکی؛ (۵) تهیه فهرستهایی از واژه‌ها و اصطلاحات فنی برای استفاده در مدارس و دانشگاهها و تدارک فرهنگی از واژه‌ها و اصطلاحات فنی ترکی؛ (۶) جمع‌آوری و نشر امثال و حکم عامیانه (ترکی)؛ (۷) تحقیق در زبان ترکی از قدیمترین ایام و مقایسه و تطبیق آن با سایر زبانها به منظور تهیه فرهنگهای ریشه‌شناختی؛ (۸) مطالعه در اسناد مربوط با زبان ترکی و تحول و تطور سایر زبانها، با عطف توجه خاص به واژگان آنها و واژه‌های جدیدی که وضع کرده‌اند؛ و بالأخره (۹) مطالعه

۱۳۱۴/۱۹۳۵ نام آن به «تورک تاریخ کورومو» تبدیل گردید. حوزه عمل و اهداف «انجمن تاریخ ترکیه» عبارت است از مطالعه در تاریخ ترکها و ترکیه و نشر و توزیع ماحصل این مطالعات. برای وصول به این اهداف، روشهای زیر را پیشنهاد کرده‌اند: (۱) تحقیق و تفحص در منابع مربوط با تاریخ ترکها و ترکیه؛ (۲) ترجمه این منابع (به زبان ترکی) و نشر آنها؛ (۳) برپا کردن کنفرانسهایی برای بحث درباره یافته‌های تازه و سایر مطالب و موضوعات در این زمینه؛ (۴) اعزام محققان (به طور منفرد یا گروهی) برای جستجوی اسنادی که می‌توان با آنها گوشه‌هایی از تاریخ گذشته ترکها و ترکیه را روشن کرد؛ (۵) همکاری با مؤسسات علمی و تحقیقاتی داخلی یا خارجی در زمینه مطالعه و نشر مطالبی که با اهداف این انجمن ارتباطی داشته باشد.

«انجمن تاریخ ترکیه» همچون بقیه آکادمیها و مجامع علمی و تحقیقاتی سراسر جهان سازمان یافته، و در ساختمانی که در آنکارا از آن خود دارد مستقر است. این «انجمن» کتابخانه‌ای بزرگ (که در اواخر سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ حاوی اسناد تاریخی، ۹۰۱ نسخه خطی، ۱۸۹ میکروفیلم، ۱۷۲ فتوکپی از نسخ خطی مختلف، تعداد معتناهی نشریه داخلی و خارجی، و ۷۳۱۶۶ جلد کتاب و جزوه بوده) و نیز مطبعه‌ای از آن خود دارد. این چاپخانه علاوه بر آن که صورت جلسه‌های کنگره‌های این انجمن را، ابتدا تحت عنوان تورک تاریخ کنگره سی سونولان بیلدیریلری و بعداً تحت عنوان تورک تاریخ کنگره سی بیلدیریلری، در جنب آثار متعدد دیگر، چاپ می‌کند، در عین حال به عنوان مرکز چندین نوع فعالیت دیگر انجمن مزبور، از جمله به عنوان محلی برای انجام تحقیقات و برگزاری سخنرانیها و نمایشگاهها و کنگره بین‌المللی که از سال ۱۳۱۱/۱۹۳۲ به این سو تقریباً هر پنج سال یک بار تشکیل شده است، نیز به کار می‌آید. تصور «انجمن تاریخ ترکیه» از تاریخ ترکیه کاملاً افراط‌گرایانه است؛ یکی از نخستین آثاری که این انجمن منتشر کرده، کتاب درسی ۴ جلدی برای تدریس در دبیرستانها بوده که در آن بر تاریخ یگانه یا یگانگی تاریخی همه ترکها (واقوام ترک زبان) در سراسر آسیا و نقش و سهمی که در تمدن جهانی داشته‌اند تأکید شده است. ۳۴۷ عنوان کتاب و اثر محققانه‌ای که - گاهی هر کدام شامل چندین جلد - تا اواخر سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ توسط «انجمن تاریخ ترکیه» منتشر شده بوده بوضوح حاکی از گستردگی حوزه علاقه و توجه این انجمن به تاریخ گذشته ترکها و ترکیه (و اندکی نیز به تاریخ جهان) است. این انجمن تاکنون طبع و تصحیحهای انتقادی متعددی از آثار و اسناد تاریخی، و نیز ماحصل تحقیقات و مطالعات باستانشناختی و تاریخی را، با تأکید بر دو دوره عثمانی و ترکیه جدید و علی‌الخصوص با تأکید بر نقش آتاتورک، منتشر کرده و در

آثار زبان‌شناختی جدید و ترجمه کردن آنها به زبان ترکی «انجمن زبان ترکی» نیز همچون «انجمن تاریخ ترکیه» مانند همه مؤسسات علمی و تحقیقاتی دیگر جهان سازمان یافته، و ساختمانی از آن خود در آنکارا دارد. کتابخانه بزرگ این انجمن که در سال ۱۳۵۹/۱۹۸۰ حدود ۲۵۰۰۰ جلد کتاب، ۱۵۰ نشریه ادواری مختلف، ۶۰۰ نسخه خطی، ۳۳ میکروفیلم، و بالغ بر ۱۰۰ جلد فتوکپی از ۴۸ عنوان کتاب، در اختیار داشته است) به عنوان مرکز همه فعالیت‌های چندین گونه این انجمن در زمینه‌های زبان‌شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد. برجسته‌ترین این فعالیتها اکثر همان وضع واژه‌ها و اصطلاحات جدید برای نشان دادن آنها به جای لغات عربی الاصل یا فارسی تبار بوده است. با آنکه بسیاری از این واژه‌های جدیداً وضع شده بواقع ترکی و ترکی الاصل بوده‌اند، برخی دیگر از آنها برساخته‌هایی کاملاً جدید و بی‌اصل و نسب‌اند. این واژه‌های جدید متعاقباً از طریق کتابهای درسی مدارس و مطبوعات به زبان روزمره مردم تزریق می‌گردیده‌اند. البته، این جریان از جنگ جهانی دوم به این سو متعادل‌تر شده است. «انجمن زبان ترکی» از سال ۱۳۱۱/۱۹۳۲ به بعد هر دو یا سه سال یک بار کنگره‌های تحقیقاتی تشکیل می‌داده است که زبان‌شناسان و متخصصان امور آموزشی داخلی و خارجی در آن شرکت می‌کرده‌اند. حاصل کار این کنگره تحت عنوان *Türk Dili Kurultayı* (یا بعدها موسوم به *Türk Dil Kurultayı*) انتشار می‌یافته است. سایر انتشارات این انجمن (تا ژوئیه ۱۹۸۰/تیر ۱۳۵۹) شامل ۴۶۷ عنوان کتاب و جزوه بوده که موضوعات زیر را در بر می‌گرفته‌اند: تحقیقات و سخنرانی‌هایی درباره «تصفیه» زبان؛ املا و تهجی جدید کلمات؛ زبان‌شناسی ترکی و عمومی؛ لهجه‌ها و ضرب‌المثل‌های ترکی؛ فهرست‌هایی از واژه‌ها و اصطلاحات جدید در حوزه‌های مختلف؛ فرهنگ‌های ترکی ترکیه (از جمله شامل یک فرهنگ جامع، یعنی «Thesaurus»، تاریخی) و برخی دیگر از انواع زبان‌های ترکی (مثل قرقیزی، اویغور، یاکوت، و نظایر آن)؛ آثار و منابع ادبی زبان ترکی؛ و بالأخره کتابشناسیها و نشریات ذیل: *Türk Dili Araştırmaları* (یا بولتن سالانه تحقیقات زبان ترکی که به طور سالانه از ۱۳۳۲/۱۹۵۳ به این سو انتشار یافته است)؛ *Türk Dili Tetkik Cemiyeti Belleteni* (یا زبان ترکی: بولتن انجمن تحقیق درباره زبان ترکی) که بعداً به *Türk Dili Belleteni* (= بولتن زبان ترکی) تغییر نام یافت و در فاصله سالهای ۱۳۱۲/۱۹۳۳ تا ۱۳۲۹/۱۹۵۰ همه ماهه منتشر می‌شد، و از سال ۱۳۳۰/۱۹۵۱ به بعد جای خود را به نشریه ماهانه *Türk Dil: Aylık Dergi* (= زبان ترکی: نشریه ماهانه) داد. بنابراین قانونی که در ۱۱ اوت ۱۹۸۳/۲۰ مرداد ۱۳۶۲ تصویب

(و در شماره ۱۸۱۳۸ روزنامه رسمی [Resmi Gazete] ترکیه، به تاریخ ۱۷ اوت ۱۹۸۳/۲۶ مرداد ۱۳۶۲ منتشر) شد، «انجمن تاریخ ترکیه» و «انجمن زبان ترکی»، و تشکیلات دیگری که جدیداً تحت عنوان «آتاتورک کولتور مرکزی» یا «مرکز فرهنگ آتاتورک» تأسیس شده بود، در آکادمی واحد جدیدی به نام «سازمان عالی فرهنگ، زبان و تاریخ آتاتورک» (= آتاتورک کولتور، دیل و تاریخ یوکسک کورومو) که تحت نظر دولت کار می‌کند و در آنکارا مستقر است، ادغام شدند.

#### د) هند

در سال ۱۳۹۶/۱۹۷۶ ه.ق. تحت اشراف و نظارت دانشگاه اسلامی علیگره (یا علیگر) و با اقتباس از فرهنگستانهای دمشق و قاهره و بغداد، تشکیلاتی به نام «المجمع العلمی الهندی» در هند تأسیس شد که هدفش عمدتاً کمک به گسترش زبان عربی در هند، پیشبرد مطالعات درباره ادبیات، تاریخ، علوم و تمدن عربی در هند، مخطوطات ارزشمند، نشر و تبلیغ آثار علمای هندی، و برانگیختن روح یا حیات فکری و فرهنگی این کشور بود.

این فرهنگستان دارای دوازده عضو پیوسته هندی (اصطلاحاً عاملون)، ۲۸ عضو مکاتبه‌ای (مشهور به ماملون) از کشورهای عربی زبان (سوریه، عربستان سعودی، عراق، اردن، فلسطین [؟]، مصر، لبنان، مراکش، و کویت) و ۱۵ عضو مکاتبه‌ای دیگر است که از میان محققان عربی‌دان ایران، پاکستان، اتحاد شوروی، آلمان، انگلیس، فرانسه، مجارستان، ایتالیا، و هلند انتخاب شده‌اند.

این فرهنگستان هر شش ماه یک بار نشریه‌ای تحت عنوان *مجلة المجمع العلمی الهندی* منتشر می‌کند که نخستین شماره آن با تاریخ ۱۳۹۶/۱۹۷۶ ه.ق. در آخر سال ۱۳۹۸/۱۹۷۸ ه.ق. انتشار یافت.

#### \* یادداشت

این مقاله ترجمه بخش دیگری از مقاله‌ای است که قسمت مربوط به کشورهای عربی آن در شماره قبل از نظر خوانندگان گذشت. بخش مربوط به فرهنگستانهای ایران را در مقاله حاضر دکتر محمد علی جزایری، بخش مربوط به ترکیه را جی. ام. لاندائو (J.M. Landau) و بخش مربوط به هند را هیئت تحریریه طبع دوم «دایرة المعارف انگلیسی اسلام» نوشته‌اند؛ دکتر محمد علی جزایری در سال ۱۳۳۷/۱۹۵۸ از تکزاس دکترا گرفته و اکنون استاد ممتاز زبانها و ادبیات شرقی و افریقایی و مطالعات خاورمیانه‌ای در دانشگاه آستین تکزاس است. وی در حوزه‌های زبان‌شناسی فارسی و مسائل مطرح در جریان اصلاحات زبانی، مسائل ترجمه (انگلیسی به فارسی)، جنبه‌های اجتماعی در ادبیات فارسی، روش‌شناسی تدریس زبانهای بیگانه، و زندگی و آثار احمد کسروی کار کرده است.